

دریافت: دی ۹۴

پذیرش: فروردین ۹۵

تعالی علمی بانوان در پرتو سیره علوی

رقیه سادات مؤمن^۱

نهله غروی نایینی^۲

چکیده

با ظهور و گسترش اسلام آنچنان تحول عظیم علمی - فرهنگی در جامعه و پیرو آن در عرصه بانوان به وجود آمد که ایشان را از حسیض جاهلیت به اوج عالمیت رساند. مسلم است که این تحول فرهنگی بی نظیر نیازمند پیگیری و استدامه جدی از سوی سیستم حکومت اسلامی است. سیره فردی و اجتماعی علوی جلوه بی‌همتایی از اهمیت بخشی به دانش زنان، تربیت و استفاده به‌جا از ظرفیت علمی زنان در عرصه‌های مختلف بود. این مقاله با استفاده از روش تحلیل متن استقرایی - قیاسی در سه مرحله توصیف، تحلیل و مقوله‌بندی (از طریق کدگذاری باز)، عمدتاً به صورت استقرایی به تحلیل محتوای اقوال و سیره عملی حضرت علی در خصوص فرهنگ آموزش عالی زنان در سطوح مختلف پرداخته، و مؤلفه‌های کلی حضور فرهنگی علمی زنان در حکومت علوی را استخراج نموده؛ و اثبات کرد در دیدگاه علوی نه تنها زنان از لحاظ قابلیت علمی و استعداد عقلی متفاوت و مادون نیستند، بلکه حضرت علی علیه السلام به رشد و شکوفایی علمی ایشان توجهی خاص داشته‌اند. منش و سیره علوی بر این اساس استوار است که علاوه بر آموزش جامع زنان خانواده، زنان جامعه را نیز در عرصه‌های مختلف علمی - معرفتی توانمند سازد، و حسب مورد از این نیروی متعالی در رده‌های مختلف حکومتی استفاده نماید.

واژگان کلیدی:

حضرت علی علیه السلام، زن، علم، آموزش عالی، فرهنگ

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس sadatmomen@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس naeeni_n@modares.ac.ir

مقدمه

ظهور اسلام علاوه بر آنکه تحولی عظیم در جایگاه اجتماعی و حقوقی زنان پدید آورد، باعث ایجاد نقطه عطفی تاریخی در جایگاه علمی فرهنگی آنان گشت. مقایسه میان تعداد انگشت شمار زنان فرهنگی عصر جاهلیت، (جوادی علی، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۵۲۸) با حجم عظیم آنان پس از ظهور اسلام، (ابن اثیر، ۱۲۸۵، ج ۵، ص ۴۳۴) به بهترین وجه عظمت این تحول را نشان می‌دهد. به طور کلی یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ اسلام که پیوسته توجه بسیاری از دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان را به خود مشغول داشته است، رمز موفقیت پیامبر اسلام در تحول جامعه جاهلی به جامعه متعالی اسلامی در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. این حرکت عظیم در مدتی نه چندان طولانی همه افق‌های دور را درنوردید، و تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن و ریشه‌دار آن سوی جزیره العرب را نیز از شعاع خود بهره‌مند ساخت، و توانست در کمترین فرصت برای تقابل و رویارویی با آنها همت نماید، (ابن سعد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۷۶) بی‌آنکه از راهکارهای ناروای سیاست مداران و زورمندان روزگار سود جوید.

شیوه پیامبر اکرم در این تحول عظیم، انقلاب و دگرگونی فرهنگی بود. روشی که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) یعنی با تغییر و تبدیل در اراده انسان‌ها می‌توان جوامع را متحول ساخت؛ و این اراده زمانی دگرگون می‌شود که از اندیشه‌ای نو برخوردار شود. بنابراین تا زمانی که اندیشه و نگرش جامعه‌ای نسبت به آنچه در گذشته به آن پایبند بوده تغییر پیدا نکند، در آن جامعه تغییری پدیدار نمی‌شود. پایه دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دستورات الهی، استفاده از ابزار حکمت و اندرز درست، به شیوه‌ای پسندیده بود.^۱ این همان روشی است که امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در دوره حکومت خود از آن استفاده کردند.

مقاله موجود مترصد آن است که با توجه به اصل رشد علمی فرهنگی جامعه در سیره علوی، جایگاه زنان در این تحولات را تبیین نموده، و روشن نماید که از منظر علوی آیا زنان

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگارت تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است. (نحل / ۱۲۵)

قابلیت سرمایه گذاری علمی در سطح فردی و اجتماعی را دارا هستند؟ در این راستا مکانت علم آموزی زنان نزد حضرت علی علیه السلام تا چه میزان بوده است؟ ایشان برای دستیابی زنان به رشد علمی چه برنامه‌هایی داشتند؟ آیا تنها بانوان خاندان اهل بیت از چشمه جوشان تعالیم الهی بهره‌مند بودند، یا تمامی اقشار جامعه امکان استفاده از ظرفیت علمی علوی را داشتند؟ آیا عرصه‌های توانمندی علمی زنان تنها محدود به علوم دینی بود؟ در صورت اثبات تعالی علمی زنان در سیره علوی، آیا این توانمندی ظهور و بروز اجتماعی داشته، و محدوده فعالیت اجرایی زنان در عرصه‌های علمی آموزشی به چه میزان بوده است؟

۱- تبیین شرایط فرهنگی اجتماعی زنان در عصر علوی

نهیض فراگیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن اهداف بسیار بلند در زمانی محدود تحقق نیافتنی بود و به تداوم و پیگیری نیاز داشت. حضرت نیز به خوبی بر این حقیقت واقف بودند؛ و لذا سفارش‌های زیادی بر ادامه راه توسط امام معصوم، و زلال ساختن اندیشه جامعه با تمسک به قرآن و اهل بیت، برای حفظ همان نهضت انجام می‌گرفت. (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵، الطبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۲)

با استناد به شواهد مسلم تاریخی (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ الطبری، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۳۵) به دست می‌آید که پس از پیامبر، جاهلیت نخستین بازگشتی دوباره نمود و با فاصله گرفتن جامعه از ارزش‌های اسلامی و بازگشت تدریجی سنن جاهلی، نمودهای دیگر آن نیز پدیدار گشت. انحطاط منزلت زن در خانواده و جامعه در اثر اختلال در روند تعمیق فرهنگ اسلامی بعد از پیامبر از جمله پی آمدهای آن بود. لذا وقتی علی علیه السلام به حکومت رسیدند در نخستین خطبه خود از متروک شدن ارزش‌های اسلامی و بازگشت جاهلیت پیشین یاد کردند. (الرضی، ۱۳۷۸ق، خطبه ۱۶) ایشان در پی انقلابی دیگر با همان مبانی و اصول و شیوه‌ای برآمدند که پیامبر در تحقق انقلاب فرهنگی‌شان از آن بهره جسته بودند.

آنچه برای آن حضرت در فرصت چند ساله خلافت مهم بود، حضور عالمانه و جدی در صحنه فرهنگی بود. بدین سان کوفه انتخاب شد، و حضرت کوشیدند تا اندکی از معارف و اسرار به یادگار مانده از پیامبر را که تاکنون زمینه انتشار آن پدید نیامده بود، برای افراد لایق

بیان کنند؛ و چهره حقیقی دین را که در طول این مدت بر اثر جهالت‌ها و عنادها در پشت پرده ابهام مانده بود، بنمایانند؛ تا بیدار دلان آن زمان و آیندگان تفاوت میان حق و باطل و حجت الهی و طاغوت را بدانند. آن حضرت برای نیل به این اهداف عالی در مدت کوتاه حکومت خود، به چند طرح مهم پرداختند که مهم ترین آنها مبارزه با جهل عمومی و ارتقای جایگاه علمی به خصوص در حوزه زنان بود.

۲- ضرورت و اهمیت ارتقای علمی زنان در سنت علوی

اهمیت و عظمت مقام علم در اسلام به حدی است که در قرآن مجید، موارد فراوانی ماده علم و مشتقات آن به کار رفته، و در اولین آیات نازل شده به رسول اکرم سخن از علم، دانش و قلم آمده است. (نک: علق ۴-۱)

خطابات عام، فراگیر و فارغ از جنسیت قرآن و روایات در بیان فضیلت علم و اهل دانش، اثبات می‌کند که گرایش به علم و دانش اندوزی فراتر از جنسیت بوده و حقیقت انسانی را مخاطب خویش قرار می‌دهد. از این روی معصومان همه مردمان اعم از زن و مرد را به فراگیری علم و حقیقت ترغیب نموده‌اند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «طلب علم فریضه علی کل مسلم» دانش آموختن بر هر مسلمانی واجب است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵) به اجماع فقها این روایت عام و مطلق بوده و دانش‌اندوزی را در هر حال بر زن و مرد واجب می‌نماید. (رشید رضا، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲)

حساسیت و ضرورت وجوب همگانی علم تا بدان جاست، که در اندیشه علوی آموزش و تعلیم متناسب کودکان نیز بر والدین واجب است. ایشان می‌فرمایند: «به فرزندان آنچه را که به نفعشان است یاد دهید تا مرجه به آنها نفوذ نمایند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۷، ح ۳۹) بنابراین حتی زنان خانه‌دار نیز به منظور تدبیر بهتر شؤون منزل و هدایت نیکوی فرزندان، و شناخت افکار و مکاتب التقاطی و ایمن سازی خانواده در برابر آنها، لازم است تا به همه گونه علم مورد نیاز مجهز باشند. لذا حضرت امیر تاکید می‌فرمایند تا از ازدواج با زنان نادان و بی‌دانش پرهیز گردد (حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۷)

نقش عقل و علم زنان آنقدر حساس و سرنوشت ساز می‌شود، که حتی حضرت علی علیه السلام در مورد زنانی که مسئولیت شیردهی کودکان را بر عهده می‌گیرند نیز توصیه می‌کنند که

زنان کم خرد و نادان را جهت این امر استخدام نشوند. زیرا خصلت‌ها و ژن‌ها به واسطه شیردهی انتقال می‌یابد. (حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۷۸)

حال این مسئله مطرح می‌شود که در شرایطی که از دیدگاه علوی علم و دانش و فرهیختگی زن تا بدین حد مهم و تاثیر گذار بوده، و نسل و جامعه انسانی مرهون و وابسته به آن است، چطور ممکن است که حضرت با یک کلام،^۱ تمامی جامعه زنان را از لحاظ عقلی ضعیف و مادون بدانند. به استناد روایات بالا اگر زنان و مادران ناقص‌العقل و کم بهره‌اند، پسران و مردانی که در دامان ایشان پرورش یافته و از شیر وجود آنان سیراب شدند نیز، بهره‌چندانی از عقل و دانش نخواهند داشت.

از سویی به استناد محالیت معطی بودن فاقد شیئی، و همچنین ممتنع بودن تکلیف مالایطاق، نمی‌توان پذیرفت که در اندیشه و سیره علوی، زن توان و قابلیت کسب علم نداشته و ناقصه باشد، اما از وی انتقال ارزش‌های متعالی و عالم و مجتهد پروری خواسته شده باشد. با تأکید بر همین یک روایات علوی زن نادان اساساً شایسته همسری نیست، چه برسد به نسل‌سازی. پس به ناچار زنان نه تنها قابلیت امکانی اخذ علوم مختلف را دارند، بلکه به حکم وجوب، لزوماً می‌بایست علم آموزی زنان واقع شود. زیرا حداقل هر چه سطح معرفت و دانش اجتماعی زنان بالاتر رود، نسل آینده که در دامان آنان تربیت می‌یابد رشد بیشتری خواهد یافت، و فکر و عمل جامعه ارتقا می‌یابد.

از این روی در تعالیم اسلامی نه تنها منع و محدودیتی در تعلیم و تعلم زنان مشاهده نمی‌شود؛ بلکه این امکان وجود دارد تا زنان از مردان در علوم پیشی بگیرند. از امام صادق علیه السلام به نقل از جد بزرگوارشان حضرت علی علیه السلام آمده است که: «...چه بسا زنی از مرد فقیه‌تر و داناتر باشد...» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۷۷، ح ۱۴۵۶۳)

۳- پی‌ریزی شالوده آموزش زنان در خانواده

در مکتب اسلامی خانه و خانواده محمل تولید علم و ارتقای دانش برای همه اعضا است.

۱. «هن نواقص العقول و الايمان» نهج البلاغه خطبه ۸۰

۲. تنها در مجموع روایات کتب حدیثی دو روایت آمده که از آموزش کتابت و سوره یوسف نهی کرده است. این دو روایت اولاً: از حیث سند دارای اتقان نیستند و ثانیاً: جنبه ارشادی و اخلاقی دارند. علاوه بر آن در هر دو روایت به آموزش سوره «نور» سفارش شده است که خود گواه تأکید بر آموختن است. حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، صص ۱۲۷-۱۲۶.

در این راستا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نه تنها خود معارف آموخته از جانب خدا را، بر همسرانشان عرضه می‌دارند، بلکه مردان دیگر را نیز امر می‌نمایند تا چنین روشی را در زندگی با همسر اتخاذ کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۱؛ فیض کاشانی ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۷۳) از جمله آنکه به علی علیه السلام می‌فرمایند: «فراگیر و به خانواده‌ات نیز بیاموز.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴) محصول این محافل علمی خانوادگی، همسران اندیشمندی هستند که در جوار پیامبر اکرم و ائمه هدی به مقامات رفیع علمی رسیدند.

بر این اساس در خانه حضرت امیرالمؤمنین همواره چراغ علم و هدایت روشن بوده و حضرت فاطمه سلام الله علیها بانویی هستند که علم و عملشان برای همگان در تاریخ، حجت است.

۳-۱- همراهی و مساعدت با تعالی علمی همسر

به استناد روایات، امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا سلام الله علیهما معاضد علمی یکدیگر بوده، و نه تنها به صورت علنی، بلکه به نحو ویژه و خصوصی از محضر پیامبر اکرم معارف ناب الهی را دریافت می‌نمودند.

علی علیه السلام چگونه آموزش اقسام علوم توسط پیامبر را به خود و فاطمه علیهما السلام چنین توصیف می‌کنند: «هر روز و هر شب با پیامبر خلوتی داشتم که اوقات آموزش من توسط پیامبر صلوات الله بود. همگان می‌دانستند که در این خلوت اجازه حضور ندارند؛ لذا اصحاب و نیز همسران پیامبر در این اوقات ما را تنها می‌گذاشتند. در این تدریس خصوصی، همسر فاطمه نیز حضور می‌یافت، در حالی که حتی فرزندانمان هم حضور نداشتند، به مباحثه خصوصی علمی می‌پرداختیم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۲۷۵؛ نعمانی ۱۳۹۹ق، ص ۳۶) نتیجه این حضور علمی نورانی آن است که پیامبر اکرم در وصف این زن و شوهر دانشمند فرموده‌اند: «من ترازوی علم می‌باشم، علی دو کفه ترازوی آن است و فاطمه بند آن می‌باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۰۶) این تعبیر و سیره الهی، بیانگر امکان تعالی علمی زنان بوده و نشان می‌دهد که در صورت برنامه ریزی صحیح، زن قابلیت رشد و کمال علمی را دارد، تا جایی که هم مباحثه و هم ارز نبی و وصی گردد. امام صادق علیه السلام در بیان این برابری علمی می‌فرمایند: «فاطمه و علی دو دریای عمیق علم هستند.» (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۳۴، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۹۸)

حضرت علی علیه السلام در جمع مسلمین به همسر دانشمند خود افتخار می کنند که «صاحب مصحف» است؛ (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۰) و فاطمه سلام الله علیها نیز به علم و دانش بی نظیر همسر خویش مباحثات می کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۳۶۹)

در روایات معتبر آمده است که در فاصله وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تا زمان شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، جبرئیل امین از سوی خداوند بر دختر نبی اکرم فرود می آمد، و با بیان علوم مخزون الهی ایشان را تسلی می داد تا حضرت آرام بگیرند. فاطمه سلام الله علیها، حضرت علی علیه السلام را از این موضوع با خبر ساختند و علی علیه السلام همه آن سخنان را نوشتند و مصحف فاطمه این گونه تدوین شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۴۱) آیا این چیزی جز همکاری و همراهی یک همسر نمونه در راستای تعالی و رشد بانوی خانه با وجود تمامی مشکلات و مصائب موجود می باشد؟ اندوخته علمی مصحف آن چنان گسترده است که با گذر زمان و رشد علوم بشری باز هم همواره مرجعی علمی برای بزرگترین اندیشمندان جهان، یعنی امامان معصوم تا به آخر حیات بشر، می باشد. امام رضا علیه السلام نشانه های امام معصوم را برشمرده و می فرماید: «یکی از علامتهای امام این است که مصحف فاطمه نزد اوست.» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷، طبری آملی، بی تا، صدوق، ۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۴۷) به دلیل گستردگی دانش اندوخته در مصحف است که حضرت علی علیه السلام با افتخار بیان می دارند: «به همسر من کتابی عطا شده است که جز خدا و پیامبر هرگز کسی از این میزان دانش بهره نبرده است.» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹، ص ۳۴۳)

از این روایات استفاده می شود که علوم حضرت فاطمه تنها محدود به علوم دینی و نقلی نبوده و سایر حوزه های علمی تحقیقاتی را نیز در بر می گرفته است.

۳-۱-۱- آزادی عمل همسر در تکیه زدن بر کرسی استادی

در مکتب اسلام خداوند متعال نسبت به شان و مقام عالم و معلم عنایت خاصی مبذول داشته و آنان را بر سایر طبقات ممتاز ساخته است. حضرت علی علیه السلام نیز معتقد بودند که جایگاه معلم در شکل گیری شخصیت فرد همانند جایگاه پدر بوده و از این روی از ارزش والا و یکسانی برخوردار است. لذا می فرماید: «به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هر چند فرمان روا باشی.» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۳۵)

از این روی تحصیل علم و تدریس آن در اسلام، تکلیفی شرعی و الزامی بوده و طالب علم پس از اخذ معلومات، خدمت به مردم و اطلاع رسانی به ایشان را واجب کفایی می‌داند. براساس چنین کلیات عام و فراتر از جنسیتی، در تاریخ اسلام زنان بسیاری افزون بر فراگیری دانش، برمسند تعلیم نشسته و در فرادهی دانش کوشیدند. (ابن حجر، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م، ج ۸، ص ۱۲۱؛ الزرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص ۱۶۸)

فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و مشتاق انتقال دریای علم خود به بشریت بودند. شواهد بسیاری وجود دارد که فاطمه زهرا سلام الله علیها جلسات عمومی تدریس برای زنان داشته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، باب ۳، ص ۴۶، و ص ۶۶ و ص ۸۰، و نیز ج ۲، باب ۵، ص ۸) همچنین زنان به صورت فردی نزد ایشان آمده و سوالات دینی خود را می‌پرسیدند، و حضرت زهرا سلام الله علیها در نهایت سعه صدر به سوالات متعدد ایشان پاسخ می‌دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳ و ج ۸، ص ۱۸۰) در هیچ یک از این موارد موجود در تاریخ حضرت علی علیه السلام مخالفتی با فعالیت علمی اجتماعی حضرت زهرا سلام الله علیها نداشته، و حتی خانه خود را به مکان علمی حضور علمی بانوان و طالبان علم مبدل فرموده بودند.

نکته قابل تعمق و بررسی آن است که با وجود چنین ظرفیت علمی بالا و آزادی عمل از جانب همسر و جامعه اسلامی، می‌بایست احادیث فراوانی از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل شده باشد، در حالی که چنین نیست! سیر حوادث پس از وفات حضرت رسول و دگرسانی صحنه سیاست و به دنبال آن جریان فرهنگی ممنوعیت نقل حدیث و تدوین آن، و جلوگیری از نشر فضایل و علوم اهل بیت و در مقابل تبلیغات گسترده و همه جانبه برای جبهه مقابل حق و امور دیگر موجب شد تنها احادیث اندکی از ایشان به دست برسد. برخی مورخین معتقدند از ایشان تنها ۱۸ حدیث در کتب صحیح و سنن و مسانید آمده است. (ذهبی، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۱۳۴)

۱-۲- تاکید بر آموزش دختران

پدر و مادر مظهر خالقیت الله بوده و منشأ ایجاد نسل آتی بشر می‌باشند و در ظهور صفت ربوبیت رب العالمین، مسئولیت تربیت فرزندان خود را نیز بر عهده دارند. بدین جهت، آن گاه که معصومین حقوق فرزند بر پدر و مادر را برمی‌شمرند، یکی از آنها را حق بر آموزش بیان می‌دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عنوان «حق الولد علی الوالد» حق فرزند بر پدر و مادر، از حق سوادآموزی و آموزش کتابت، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۸۰؛ و ج ۱۰۴، ص ۹۲) یا آموزش کتاب سخن به میان می‌آورند؛ و حضرت علی علیه السلام در تفسیر کتاب از حق آموختن برترین معارف در جهان یعنی قرآن نام می‌برند. (الرضی، ۱۳۷۸ق، حکمت ۳۹۹)

در کلام دیگری، پیامبر اکرم آن‌گاه که از نعمات عظیم بهشتی بر برخی پدران و مادران سخن می‌گویند، ابراز می‌دارند که این نعمات فوق تصور پدر و مادر است. آن دو گویند اعمال ما به گونه‌ای نبوده که لایق این همه نعمت باشیم. خطاب به آن دو گفته می‌شود: «این همه نعمت به جهت تعلیمی است که به فرزند خود داده‌اید. تعلیم مخزن علوم، همان قرآن کریم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۲۶۸) بر همین اساس حضرت علی علیه السلام به تمامی مسلمین فرمان می‌دهند: «مروا اولادکم بطلب العلم؛ فرزندانتان را به طلب دانش فرمان دهید.» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴۵۹۵۳) واضح است که این فرامین عام بوده و تنها به تعلیم پسران اختصاص ندارد و آموزش ابتدایی و عالی دختران را هم در بر می‌گیرد.

نکته قابل تأمل آنکه علی رغم توصیه به تعلیم فرزندان اعم از دختر و پسر، پیامبر رحمت در کلامی جداگانه بر آموزش دختران تأکید خاص می‌ورزند. به نظر می‌رسد به دلیل ظلمی که در عصر جاهلیت از نظر فرهنگی و اجتماعی بر دختران روا می‌داشتند، و ظرفیت ویژه نسل سازی در دختران، پیامبر ایشان را شایسته عنایت و لطف مضاعف دانسته و خطاب به همه پدران و مادران می‌فرماید: «هرآنکه دختری دارد اگر او را ادب آموزد و تربیت او را نیکو سازد و نیز به او علم آموزد و بهره او را از علم و دانش بسی نیکوتر قرار دهد، نیز از هر آنچه نعمت که خدا بر آنان ارزانی داشته دختر را هم بهره‌مند سازد خداوند آن دختر را در آخرت مانعی از آتش برای آن پدر و مادر قرار خواهد داد و آنان از عذاب الهی در امان خواهند بود» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰۷)

در عمل به این توصیه، حضرت علی علیه السلام و دیگر راهبران بشریت، گوی سبقت از عالمیان رسوده و بیش از هر کس به آموزش دختران خود همت می‌گماشتند. محصول این اهتمام در دختران اندیشمند و فاضل ائمه اطهار جلوه ویژه دارد. دخترانی که هرچند تاریخ تمامی تواناییهای علمی آنان را ثبت نکرده است ولی بازمانده اوراق تاریخ نام برخی از ایشان را به همراه بعض آموزه‌هایی که از پدران خویش به دست آورده‌اند، به یادگار گذاشته است.

کلینی، ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ص ۷۶؛ مامقانی، ۱۴۲۳ ق. ج ۳، ص ۷۹ و ۸۰) این مجاهدت و اصرار اهل بیت در آموزش زنان و دختران تا بدان جاست که آمار زنان ادیب و دانشمند خاندان بنی‌هاشم و یاران نزدیک ایشان نسبت به دیگر خاندان‌ها بیشتر می‌باشد. (مشکور ۱۴۱۳ ق؛ ص ۵۴)

۳-۲-۱- جایگاه و فعالیت علمی دختران امیرالمؤمنین

به عنوان یک نمونه بارز، مقام و استعداد و فهم و درایت حضرت زینب به قدری بالاست که ایشان را به خاطر هوشمندی فوق العاده و قدرت شگرف مدیریت و پاسداری از آرمان‌های اسلام، «عقیله بنی‌هاشم»؛ یعنی بانوی خردمند دودمان بنی‌هاشم نامیده‌اند. این نام‌گذاری خود حاکی از آن است که در مکتب تربیتی علوی، زنان نه تنها از لحاظ عقلی و منطقی ضعیف نیستند، بلکه می‌توانند شاخص عقلانیت و درایت یک دودمان بوده و موجبات افتخار و مباهات خاندان خود باشند.

ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین و در ذیل شرح حال عون بن عبد الله می‌گوید: «مادر عون، زینب عقیله، دختر علی بن ابی طالب علیهاالسلام است، زینب همان بانویی است که ابن عباس خطبه فدک فاطمه علیهاالسلام را از او روایت کرده است.» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۱۱) همچنین شیخ صدوق در علل الشرایع و من لا یحضره الفقیه، طبرسی در احتجاج و علامه مجلسی در بحارالانوار، در ردیف عالمانی هستند که خطبه فدک را از حضرت زینب علیها السلام نقل کرده‌اند. (صدوق، ۱۴۱۳ ه. ق. ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۱۷۵۴؛ و همو ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۶ م ج ۱، ص ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۵؛ طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸، ص ۱۱۴) بنابراین حضرت زینب در حدود شش سالگی، شایستگی حفظ خطبه استدلالی، عمیق و جامع مادرش فاطمه زهرا علیهاالسلام را داشته است، و این نشانه بارزی از رشد فکری و بلوغ اندیشه و تعقل دختری است که در دامان عصمت و طهارت پرورش یافته است. زینب کبری علیهاالسلام در آن سنین نه تنها به محتوای خطبه توجه کرد، بلکه تمام حرکات و سکنات مادر را در آن لحظات بحرانی برای الگو سازی نسل آینده به سینه تاریخ سپرد. (طبری آملی، بی‌تا، ص ۳۱؛ ابن طیفور، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م، ص ۲۶؛ غروی نایینی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۲۶)

دختر والامقام علی علیه السلام از همان دوران کودکی شخصیت معنوی، عرفانی خود را در گفتار و رفتار خویش نشان می‌داد. روزی حضرت علی علیه السلام زینب کبری علیهاالسلام را که دختر

خردسالی بود در آغوش خود نشانده و نوازش کردند. آن حضرت به وی فرمود: دخترم! بگو «یکی» زینب علیها السلام گفت: «یکی» سپس پدر گفت: دخترم! بگو: «دو تا» زینب سخنی نگفت. علی علیه السلام فرمود: چرا سخن نمی گویی؟ زینب علیها السلام گفت: بابا! زبانی که به گفتن «یک» آغاز سخن کرد، چگونه «دو تا» بگوید؟! علی علیه السلام دخترک با معرفت خود را به سینه چسبانیده و او را غرق بوسه ساخت. (محلّاتی، بی تا، ج ۳، ص ۵۴)

بدین ترتیب دختر خردسال به حاضرین فهماند کسی که لب به توحید گشوده و به یگانگی پروردگار شهادت داده است، دیگر نباید برای او شریکی قائل شود. همچنین از این روایت معلوم می شود که علی علیه السلام آن مربی کامل بشریت، در تربیت فرزندان خویش از روش های کار آمد تربیتی بهره می گرفت. او در فرصت های مناسب و با شیوه های متنوع به پیروان خویش می آموخت که از مهمترین نیازهای کودک، رفع نیاز عاطفی است. محبت، نوازش و احترام به شخصیت کودک، نگرانی ها، افسردگی ها و مشکلات روحی و روانی وی را از میان برده و او را به زندگی آینده امیدوار می سازد. امیر مؤمنان با فرزندان خویش و به خصوص دختران ارتباط عاطفی و کلامی برقرار کرده، حرف دل آنان را شنیده و برای سخنانشان ارزش قائل می شد و به این وسیله روحیه اعتماد به نفس و عزت را در وجود آنان پرورش می داد.

پس از آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام به شهر کوفه آمدند و آنجا را محل حکمرانی خود قرار دادند، اندک اندک مردم آن شهر از فضل و کمال علمی و عرفانی زینب باخبر شدند. از این رو، زنان به امیرالمؤمنین علیه السلام پیام فرستادند: «شنیده ایم حضرت زینب سلام الله علیها محدثه، عامله و دومین فاطمه است که مانند مادرش فاطمه سلام الله علیها و از همه جهانیان برتر است. اگر شما اجازه فرمایید، برای بهره برداری از خرمن علم و دانش او، به حضور وی مشرف شویم. حضرت علی علیه السلام و زینب سلام الله علیها با این درخواست موافقت کردند، و زن های کوفه در محفل درس و تفسیر قرآن زینب سلام الله علیها شرکت می جستند. (محلّاتی، بی تا، ج ۳، ص ۵۷).

از ظاهر کلام برخی عالمان چنین به دست می آید که حضرت زینب سلام الله علیها نیابت خاصی از طرف امام حسین علیه السلام داشته، و مردم در مسائل حلال و حرام به ایشان مراجعه کرده از او می پرسیدند، تا اینکه حضرت سجاد علیه السلام بهبود یافتند. همچنین ایشان علم منایا و بلایا (خواب ها و حوادث آینده) را همچون بعض از یاران حضرت علی علیه السلام مانند میثم تمار

و رشید هجری و... از حضرت فرا گرفته و در ضمن اسراری بیان نموده‌اند. (محلّاتی، بی تا ج ۳، ص ۴۰؛ کحاله، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۹۱؛ سید محسن امین، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م ج ۷، ص ۱۳۷)

از فرمایش حضرت سجاد علیه السلام که به آن حضرت فرموده بودند: «ای عمه تو بحمدالله دانشمند بدون آموزگار و فهیمیده بدون آموزنده هستی.» (قمی، ۱۳۳۱ش، ج ۱، ص ۲۹۸) چنین برداشت می‌شود که حضرت زینب سلام الله علیها ملهمه و محدثه بوده‌اند یعنی به ایشان الهام می‌شده است و علم ایشان از علم لدنی و آثار باطنی ناشی می‌باشد. (رحمانی همدانی، ۱۳۷۸ش، ص ۸۶۲) همچنین به دلالت مستقیم روایات فاطمه دختر علی بن ابی طالب علیه السلام علاوه بر محدثه بودن، در مقام فقاقت قرار داشته و در احکام زنان متخصص بوده‌اند. (خلیل جمعه، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۱۸۵)

۱-۳- ارتقای سطح علمی بانوان خدمتکار خانه

عنایت معصومان به علم آموزی زنان تا جایی است که نام تعدادی از بانوان که در منزل این اساتید به خدمت مشغول بوده‌اند نیز در زمره این دانش آموختگان ذکر شده است.

فضه خادمه حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها، شایسته بانوئی است که سعادت خدمتگزاری و فرمانبرداری مقام عصمت کبری را داشته و در کانون تربیت این خانواده ملکوتی رشد یافته و ساخته شده است. تا بدان جا که در تفاسیر از جمله مجمع البیان مرحوم طبرسی و برخی روایات، وی مشمول آیه مبارکه: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۱ می‌باشد؛ که به پیروی از سروران خویش سه روز متوالی روزه را جز به آب نگشود و سهم غذای خود را به مستمندان بخشید.

با توسعه شرایط اقتصادی مدینه النبی، این امکان حاصل می‌شود تا بیت حضرت علی علیه السلام نیز دارای خدمتکار شود. فضه زنی است که پس از مدتها، از سرزمین شُرک به درون جامعه اسلامی راه یافته و در خانه این زوج دانشمند مأوا گزیده است. فضه چند سالی پیش در خانه فاطمه زهرا علیها السلام زندگی نکرده است. در این مدت نیز وظیفه او کمک به کدبانوی خانه بوده؛ خانه‌ای که به دلیل حضور چهار کودک خردسال، کمبود امکانات زندگی و موقعیت حساس اجتماعی سیاسی مرد خانواده جهت حضور در جنگها و...، زحمت بسیار دارد.

۱. انسان ۸

پرسش این است که سیره و رفتار اهل بیت با فضا چگونه بوده است که در همین مدت کوتاه، فضا آن چنان عالم به کتاب آسمانی گردید که بیش از بیست سال، هر چه از او پرسیدند، با تسلط تمام به مباحث قرآنی، مناسب با هر موضوعی، به آیه‌ای از قرآن پاسخ داد؟ ماجرای سفر حج او و جواب‌های قرآنی به سؤالات ابوالقاسم قسری مشهورتر از آن است که لازم به ذکر در این مقال باشد. (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۷۶؛ محلاتی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۳ تا ۳۲۶) مقام علمی عرفانی فضا تا حدی بالاست که امام فضا، حضرت علی علیه السلام، زبان به دعای دوستدار، پیرو و فرمانبر خویش گشوده و از روی محبت فرمودند: «اللهم بارک فی فضتنا؛ خداوندا! به فضا ما برکت عنایت فرما» (محلاتی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۴).

دانش فقاہت فضا تا بدان جا بود، که عمر بن خطاب در حق او گفت: «شَعْرَةٌ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ أَفْقَهُ مِنْ عَدِيٍّ». یک رشته موی آل ابی طالب فقیه‌تر و داناتر از تمام قبیله عدی است. (الحسون، ۱۴۲۱ق، ص ۵۹۴؛ محلاتی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۷؛ کجوری مازندرانی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵۰)

فضا آنچنان محرم راز خاندان ولایت شده بود و ایشان او را در غم و شادی خویش شریک می‌دانستند، که چون هنگام تشییع جنازه پیکر پاک دخت پیامبر خدا فرارسید، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «فاطمه از من پیمان گرفته است که چون جانش از دنیا پرکشید، هیچ کس را خیر نکنم جز ام سلمه همسر رسول خدا، ام ایمن و فضا، و از مردان حسنین، سلمان فارسی، عمار یاسر، مقداد، ابوذر و حذیفه». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۸۰)

فضا پس از تحمل مستقیم وقایع تلخ پس از رحلت پیامبر اکرم و شهادت مظلومانه حضرت زهرا، هیچ گاه دست از روشنگری برداشت و همیشه و همه جا، در بیان ظلمی که بر اهل بیت رفت، سفارشی که رسول خدا درباره آنان فرمود، و جایگاهی که نزد خدا داشتند، می‌کوشید و مردم را به عشق و پیروی از ایشان فرا می‌خواند. (محلاتی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۶)

۴- ترویج عمومی دانش و آموزش عالی بانوان در جامعه

در سیره علوی مبارزه با جهل و بی‌سوادی زنان و مردان در اولویت بود. اصرار امام به این بود که جهل را ریشه‌کن نموده و علم حقیقی را به جای آن در مغزها جایگزین سازند. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای ذکری از آل محمد صلی الله علیه وآله نموده و می‌فرمایند: «آنان حیات علم و مرگ جهل‌اند، آنان که حکمشان شما را از علمشان و خاموشی‌شان از گفتارشان و

ظاهرشان از باطنشان آگاه می‌سازد.» (الرضی، ۱۳۷۸ ش خطبه ۱۴۷) در این عبارت زندگی کسی «عیش علم» خواهد بود که تمام زندگیش مصروف علم شود، و وسایل تحصیل علم را فراهم کند، اهل علم را تشویق کند و آن‌ها را بزرگ شمارد و راه به کوی علم برای همه باز کند. از این رو دربار کوفه در عهد امام علیه‌السلام مملو از علم و تعلم بوده و شعاع علمش تا امروز می‌تابد. چه نشانی بهتر از نهج‌البلاغه، که جمع‌آوری اندکی از بسیار کوفه است؛ و تاکنون مانده و هنوز ستاره‌وار می‌درخشد و بر همه تفوق دارد.

مکتب علوی تنها به تربیت و آموزش ظاهری و ارائه آمار بسنده نمی‌کرد، بلکه علوم حقه الهی آنچنان در وجود مردان و زنان مجاهد آن عصر رسوخ کرده بود، که بیانات و گفتارشان اگرچه اندک نقل شد، ولی در طول تاریخ ماندگار ماند. علمی که تنها به عقول محدود نمی‌شد بلکه قلوب را نیز درنوردیده و تا اعماق جان انسان‌ها نفوذ می‌کرد. در واقع آموزش عالی زنان در عصر علوی کیفیتی بی‌نظیر داشت. در باب کمیت نیز نمی‌توان به طور قطع اظهار نظر نمود، چرا که آمار دقیق زنان فرهیخته همواره جزو گم شده‌های تاریخ است.

۵- تنوع آموزش عالی زنان در عصر علوی

آموزش عالی و تعلیم زنان تنها به علوم خاص دینی محدود نمی‌شد؛ بلکه در هر عرصه‌ای که جوینده و طالب علمی وجود داشت، امکان بهره‌وری از دریای بیکران علم علوی موجود بود.

۵-۱- عرصه ادبیات و علوم بلاغی

در عرصه ادبیات و علوم بلاغی در میان یاران پیامبر و زنان طرفدار حضرت علی علیه‌السلام نام این زنان ادیب و اندیشمند بیش از دیگران به چشم می‌خورد: «ام ذر» همسر ابوذر غفاری، «خنساء» شاعره مشهور، «ام البراء بنت صفوان»، «ام ذریح العبیده»، «ام رعله القشیری»، «ام سنان مذحجیه»، «ام الهیثم بنت الاسود»، «بکاره الهالیه»، «سوده بنت عماره الهمدانیه»، «صبیعه بنت خزیمه بن ثابت» و «هند بنت زید بن مخرمه» (مشکور، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵)

شرح سخنرانی‌های غرا و خطبه‌های بلیغ برخی از این بانوان در شرایط حساس جنگی، در راستای روشن نمودن حق و تهییج سپاهیان حضرت علی علیه‌السلام؛ و دفاع جانانه و همه جانبه ایشان از مکتب تشیع در دربار معاویه، در حالی که معاویه در اوج قدرت ظاهری دنیایی خویش

قرار داشت، به طور مفصل در تاریخ آمده است. این تبلیغات آنچنان پر محتوا و تاثیرگذار بود که نه تنها سپاهیان جبهه علوی، بلکه دشمنان را نیز تحت تاثیر قرار می‌داد. دلیل این ادعا آن است که حتی خود معاویه کلمه به کلمه این خطابات و اشعار را حفظ بوده و عنوان می‌نمود. (الضبی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م، ص ۴۴؛ ابن طیفور، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م. ص ۹۳؛ ابن عساکر، ۱۹۸۲ م، ص ۴۸۷؛ المعافری الملقی، ۱۳۹۸ ق/ ۱۹۹۷ م، ص ۷۴؛ يموت، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م، ص ۲۷۵؛ سیدمحسن امین، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م، ج ۳، ص ۴۷۵؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۲۶ ش، ج ۸، ص ۲۸۸؛ محلاتی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۶) نتیجه مهم جلسات روشننگری این زنان در دربار معاویه اعتراف معاویه به این بود که تربیت و سیره علوی است که چنان زنان بصیر و دانشمندی را می‌پروراند. (محلاتی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۳؛ حکیمی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م، ص ۳۲۴؛ الحسون، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۳۲۵؛ ابن طیفور، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م. ص ۱۰۳)

تنها این نکته لازم به ذکر است که شمار غالب این بانوان از اقشار معمولی جامعه و حتی از شهرهایی غیر از مدینه بودند، و این‌گونه نبود که همانند زنان خاندان اهل بیت در ارتباط مستقیم با معصومین بوده و تحت تربیت بلاواسطه ایشان باشند. بلکه این اوج فراگیری علم آموزی در مکتب علوی است که آنچنان موجب ارتقای زنان حتی زنان معمولی جامعه می‌شود، که علاوه بر تسلط به اصول و مبانی شرع، در حیطه‌های تخصصی عالی نیز کسب معرفت کرده، و حسب نیاز به صورت عملی در جامعه از تخصص ایشان استفاده می‌شود.

۵-۲- عرصه روایت و نقل احادیث

در راستای فراگیری احادیث و نقل آنها، زنان عصر علوی با وجود اختناق شدید و ممنوعیت نشر احادیث اهل بیت بسیار فعال بوده و نقش مهمی در انتقال فضایل اهل بیت داشتند. با پژوهش در رجال شیخ طوسی که متقدم‌ترین کتاب برای شناخت اصحاب معصومان است، به دست می‌آید که شیخ، ۴۴۵ مرد راوی و سه زن راوی حدیث از آن حضرت معرفی می‌نمایند. (الطوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۵۷-۸۹) لیکن با بررسی بیشتر احادیث، نام بیست و یک تن تن از زنان راوی حدیث از امام علی علیه السلام آشکار می‌شود. (خلیل جمعه، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۶ م، ج ۲، ص ۱۹۴ و ۲۲۵؛ و ج ۱، ص ۱۷۴؛ ابن الاثیر، ۱۲۸۵ ق، ج ۵، ص ۳۹۶؛ خلیل جمعه، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۴ م، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ابن سعد، ۱۳۸۸ ق/ ۱۹۶۸ م، ج ۸، ص ۴۶۵)

شرح حال، فضائل، ایمان، سخنان و فعالیت‌های این بزرگ زنان تاریخ، نشان می‌دهد که هریک از ایشان، نقطه عطفی در ایفای نقش زن در اسلام بوده‌اند. این روایان، زمانی گفتار، رفتار، کردار و فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام را متذکر می‌شدند که جامعه اسلامی دچار اختناق، جعل و تزویر حدیث و سب امیرالمؤمنین بود. بنابراین، نقش نقل‌های ایشان در مقابله با شرایط آن زمان، بسیار آشکار و غیر قابل انکار است.

۵-۳- عرصه فقاقت و بیان احکام

زنان در مکتب علوی قله‌های فقاقت را نیز درنوردیدند. تفاوت عمده فقه با نقل حدیث در حصول قوه استنباط و نقد و تحلیل و استخراج حکم از حدیث است. از آنجا که ضرورت اجتهاد صحیح، و منبعث از آیات و روایات صحیحه پس از رحلت پیامبر بیش از پیش آشکار شد؛ زنانی اندیشمند و فرزانه در این حوزه تربیت شدند که همانند مردان و بلکه بهتر از ایشان به استنباط احکام می‌پرداختند. نمونه بارز این موضوع حضرت فاطمه سلام الله علیها بودند. ایشان در مواقع لزوم بر مسند قضا تکیه زده و با استناد به آیات و روایات به صدور حکم می‌پرداختند. چنانکه دو زن که در موضوعی اختلاف داشتند، نزد ایشان آمده و طرح دعوا کردند؛ و حضرت بین آنها داوری و قضاوت فرمود. (فهم کرمانی، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۱۲)

ام ایمن فقیه دیگری است که در مکتب حضرت زهرا سلام الله علیها دانش آموخته بود. (کحاله، ۱۹۸۲ م، ج ۱، ص ۱۲۷؛ ابن حجر، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م، ج ۸، ص ۲۱۲)

ذهبی معتقد است ام سلمه از فقهای صحابه بوده و یکی از سیزده نفری است که صحابه در فتوا به او رجوع می‌کردند. ام سلمه به خصوص در مورد فقه زنان (احکام رضاع، طلاق و عده) خبره و متخصص بود. (ذهبی، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م، ج ۲، ص ۲۰۳؛ خلیل جمعه، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۶ م، ص ۲۴۶)

دختر ام سلمه با نام «زینب بنت ابی سلمه» نیز فقیه زبردستی بود. از ابو رافع نقل شده است که او فقیه مدینه بود. ابن عبدالبر او را فقیه‌ترین زن آن عصر برمی‌شمرد. (خلیل جمعه، ۱۴۱۲ ق/۱۹۹۶ م، ج ۲، ص ۱۷۷) رای این بانو در مورد ساقط بودن زکات از زیورات زنانه نقل شده است. (بهادر، ۱۳۰۱ ق، ص ۳۸۴)

زنانی که از ایشان نام برده شد از جمله بانوانی بودند که در فقه سرآمد بودند؛ اما بودند زنان معمولی جامعه که به درجات عالی فقاقت نرسیده بودند، ولی از فهم قرآن و احکام بی‌بهره

نبوده و حتی در مواردی که خلفا قوانینی مخالف احکام دین وضع می کردند، به مخالفت می پرداختند. (القرطبی، بی تا، ج ۵، ص ۹۹؛ الحسین احمد، ۱۹۸۱م؛ ص ۲۰؛ الجویر، ۱۴۱۶ق؛ ص ۶۸)

۴-۵- عرصه داروسازی و پزشکی

در عصر علوی این امکان برای زنان وجود داشت تا در سایر زمینه‌های تخصصی علمی نیز رشد و پیشرفت داشته باشند. به عنوان نمونه حضرت علی علیه السلام به خانمی به نام حبابه، حکم حرمت استفاده از برخی داروها را فرمودند، که نشان از داروساز بودن آن خانم دارد. (کلینی، ۱۳۵۰ش، ج ۳، ص ۱۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ه ق، ج ۶۳، ص ۴۸۷، و ج ۸۰، ص ۱۳۳ و ج ۹۶، ص ۱۱۸ و ۱۹۷ و ج ۵۹، ص ۸۵-۸۶؛ الطوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صدوق، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م، ص ۳۰۳)

همچنین به برخی از خانم‌هایی که در زمینه پزشکی مشغول به کار بودند، روش‌های تشخیص بیماری، و نحوه درمان برخی امراض را آموزش می دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳ه ق، ج ۵۹، ص ۱۷۳ و ۲۶۶ و ۸۸ و ۸۹ و ۱۲۲ و ۲۹۴-۲۹۹ و ۱۶۶-۱۶۸ و ۱۵۶، ج ۹۲، ص ۱۵۱-۱۵۰، ص ۱۴۹، ج ۴۶، ص ۶۳۱؛ ابن عبد البر ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۶؛ الاربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۳)

۵-۵- عرصه نظامی و جنگ آوری

از جمله ویژگی‌های بارز حکومت علوی تعلیم و تربیت جامع آحاد مردم اعم از زن و مرد، و استفاده مناسب و به جا از این ظرفیت آموزش دیده در مواقع مورد نیاز بود. یکی از این موارد، حضور زنان تعلیم دیده‌ای بود که با پوشیدن لباس مردان، در هیئت نظامیان مرد ظاهر شده، و عایشه را پس از جنگ جمل تا مدینه همراهی و مشایعت نمودند.

این جریان روشن می‌نماید که در حکومت علوی لازم است تا زنان مستعد نیز علاوه بر مردان تعلیمات نظامی ببینند. چرا که گاه شرایط جنگی به گونه‌ای رقم می‌خورد که همانند مثال مذکور، کار تنها به دست زنان به اتمام می‌رسد. در این جریان هرآینه امکان داشت که در مسیر مدینه کاروان عایشه مورد تعرض و تجاوز قرار بگیرد. لذا لازم بود که این زنان تعلیمات مکفی را دیده باشند، تا بتوانند به موقع عکس العمل نظامی مناسبی را از خود نشان دهند.

علی رغم تمام این خدمات و گذشت‌ها که خود عایشه اقرار بر آن‌ها داشت، زمانی که

به مدینه رسید باب گله مندی از امیرمومنان را باز کرد و گفت: «وی همسر رسول خدا را همراه مردانی نا محرم به سوی مدینه فرستاد.» اما پس از آن که متوجه شد همراهان و محافظانش زانی در لباس مرد بوده‌اند شرمند شد و گفت: «خدا فرزند ابوطالب را پاداش نیک دهد که حرمت رسول خدا را درباره من رعایت کرد.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۳؛ الطبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱۸).

نتایج

۱. آنچه از سیره و رفتار حضرت علی علیه السلام در خصوص جایگاه علمی زنان به دست می‌آید، وجوب تعلیم و تعلم بانوان در جامعه براساس یک سیستم و الگوی جامع است، که تمامی سطوح آموزش زنان را معنا دار و هدفمند در نظر می‌گیرد.
۲. در سیره علوی نه تنها بانوان از لحاظ علمی و معرفتی ناتوان و مادون نیستند، بلکه ارتقای علم و معرفت زنان با توجه به نقش تربیتی غیر قابل انکار ایشان، موجبات تحول و رشد فرهنگی و معرفتی جامعه را پدید می‌آورد.
۳. در این مدل آموزش و تعالی بانوان از خانه شروع شده و تمامی افراد خانواده در قبال علم آموزی زنان مسئول و مکلف به همراهی هستند. نتیجه این بستر علمی خانگی، درخشش بی‌نظیر علمی همسران، دختران و حتی خدمتکاران خاندان اهل بیت، و ثبت این جایگاه علمی در تاریخ، علیرغم تمامی موانع است.
۴. عرصه فعالیت علمی زنان در جامعه نیز محدود نبوده و بر اساس همان الگوی جامع، نه تنها در عرصه علوم دینی، بلکه حسب نیاز در عرصه‌های مختلف علمی زنان توانمندی تربیت می‌گشتند، به طوری که جامعه پذیرای ظرفیت علمی ایشان بوده و از دانش ایشان استفاده می‌کرده است.

منابع

- قرآن کریم
- آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق: درایتی، مصطفی، قم: مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶ ش
- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبہ اللہ، شرح نہج البلاغۃ لابن أبی الحدید، محقق ابراہیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبہ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق
- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکر، اسد الغابہ فی معرفۃ الصحابہ، مصر: جمعیہ المعارف المصریہ، ۱۲۸۵ق
- ابن حجر العسقلانی الشافعی، ابوالفضل شہاب الدین احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م
- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن ابی طاہر، بلاغات النساء، تحقیق: یوسف البقاعی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
- ابن عبد ربّہ، احمد بن محمد، العقد الفرید، تحقیق مفید محمد قمیچہ، چ ہشتم، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن بن ہبۃ اللہ شافعی دمشقی، تاریخ مدینہ دمشق، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق
- ابوالفرج اصفہانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبین، تحقیق: احمد صقر، بیروت: موسسہ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق
- ابو نعیم اصفہانی، احمد بن عبد اللہ، معرفۃ الصحابہ، محقق: شافعی، محمد حسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۲ق
- اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمّہ فی معرفۃ الائمّہ، قم: مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمی لاهل البيت علیہ السلام، ۱۴۲۶ق.
- الامین، السید محسن، اعیان الشیعہ، تحقیق و اخراج: الامین، السید حسن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م
- البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری المسمی بالجامع المسند الصحیح

- المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، شرح محب الدين الخطيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا
- البلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر، انساب الاشراف، ج ۲، تحقيق: محمداقصر محمودى، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ق/ ۱۹۷۴م.
- بهادر، سيد محمد صديق حسن خان، حسن الاسوه بما ثبت الله ورسول فى النسوه، چاپ هند، دارالرائد العربى، ۱۳۰۱ق
- جواد، على، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، چاپ اول، بيروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۰م
- الجوير، ابراهيم بن مبارک، عمل المرأة فى المنزل و خارجها، رياض، مكتبة العبيكان، ۱۴۱۶ق
- الحر العاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، تحقيق عبدالرحيم الربانى الشيرازى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- الحسون، محمد؛ مشكور، ام على؛ اعلام النساء المؤمنات، تهران: اسوه، ۱۴۲۱ق
- الحصين، احمد، المرأة و مكانتها فى الاسلام، بى جا، مكتبة الايمان، ۱۹۸۱م
- حكيمى، محمدرضا، اعيان النساء عبر العصور المختلفه، بيروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م
- خليل جمعه احمد، نساء اهل بيت فى ضوء القرآن و الحديث، دمشق و بيروت: اليمامة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م
- خليل جمعه، احمد، نساء من عصر التابعين، دمشق و بيروت: دار ابن كثير للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م
- خليل جمعه، احمد، نساء من عصر النبوه، دمشق و بيروت: دار ابن كثير للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۶م
- الذهبى، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، بيروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م
- رحمانى همدانى، احمد، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفى، تهران، مركز فرهنگى انتشاراتى منير، ۱۳۷۸ش
- رشيد رضا، محمد، حقوق النساء فى الاسلام، ط ۱، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۱۰ق
- الرضى، السيد ابوالحسن محمد بن الحسين، نهج البلاغه، ترجمه سيد جعفر شهيدى، تهران، انتشارات علمى فرهنگى، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش

- الزركلى، خير الدين، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۸۹م
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد(ص)، محقق: كوچه باغى، محسن بن عباسعلى، قم: مكتبه آيت الله العظمى مرعى نجفى، ۱۴۰۴ق
- الضبى، عباس بن بكار، اخبار الوافدات من النساء على معاويه بن ابى سفيان، تحقيق سكينه الشهابى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م
- الطبرسى، ابو منصور احمد بن على بن ابى طالب، الاحتجاج، بيروت: منشورات الاعلمى، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م
- الطبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
- طبرى آملی، محمد بن جرير، دلائل الامامه، قم: دارالذخير، بى تا
- الطبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، دلائل الامامه، النجف الاشرف: مطبعه الحيدريه و مكتبتهها، ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م
- الطبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الطبرى (تاريخ الامم والملوك)، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، مصر دارالتعارف، بى تا
- الطوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الاحكام، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۰ق
- الطوسى، محمد بن الحسن، رجال الطوسى، محقق: قيوى اصفهانى، جواد: قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۷۳ش
- عسقلانى، ابن حجر، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق: عادل احمد الموجود، على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
- عسكرى، مرتضى، نقش عايشه در تاريخ اسلام، ترجمه كرمى محمد جواد، قم: موسسه علمى فرهنگى علامه عسكرى، ۱۳۹۰ ش
- عكبرى بغدادى، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى معروف به شيخ مفيد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، بيروت، مفيد، ۱۴۱۴ ق.
- علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، كشف اليقين فى فضائل امير المؤمنين، محقق: درگاهى، حسين، تهران: وزاره الثقافه و الرشاد الاسلامى، ۱۴۱۱ق

- غروی نایینی، نهله، محدثات شیعه، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ش
- فوّاز العالمی، زینب بنت علی بن حسین، معجم اعلام النساء المسمی بالدر المنثور فی طبقات ربّات الخدور، تعلیق محمد امین ضناوی، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م
- فهیم کرمانی، مرتضی، زن و پیام آوری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، محجه البیضاء فی تذهیب الاحیاء، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ق
- القرطبی المالکی، ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق
- القرطبی، ابی عبد الله محمد بن احمد الانصاری؛ الجوامع الاحکام القرائن (تفسیر القرطبی)، تحقیق عبدالرزاق المهدي. بیروت، دارالکتب العربی، بی تا
- القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، الخصال، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ق
- القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محقق: حسن زاده، صادق، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۸۲ش
- القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، مقدمه: بحر العلوم، محمد صادق، نجف: مکتبه الحدریه و مطبعته، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م
- القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معانی الاخبار، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ش.
- القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ ق.
- قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۳۱ش
- کحاله، عمر رضا، اعلام النساء، بیروت: موسسه الرساله، ۱۹۸۲ م
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ش.
- کجوری مازندرانی، محمد باقر، فاطمه زهرا علیها السلام این گونه بود (خصائص فاطمیه)، محقق: حسن زاده، صادق، تهران: انتشارات اندیشه هادی، ۱۳۹۲ش
- مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال فی علم الرجال، محققین: مامقانی، محمد رضا و محی الدین، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ق
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محقق، بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمید رضا، قم: موسسه دارالحدیث، ۱۳۸۹ش
- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی تا
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۲۶ش
- مشکور، ام علی، اشعار النساء المومنات، قم: سعید بن جبیر، ۱۴۱۳ق
- المعافری المالقی، ابی الحسن علی بن محمد، الحدائق الغناء فی اخبار النساء تراجم شهیرات النساء فی صدر الإسلام، تحقیق: الطیبی، عائدة، لیبیا و تونس: الدار العربیة للکتاب، ۱۳۹۸ق ۱۹۹۷م
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۹ق
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- یموت، بشیر، شاعرات العرب فی الجاهلیة و الاسلام، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، حلب: دارالقلم العربی، ۱۴۱۹ق ۱۹۹۸م